

تفسیر قرآن مجید

سوره رعد

آیه - ۴۳

# پیامبر راستین و گواهان او

۴۳ - و يقول الذین کفروا لست  
مرسلا، قل کفی بالله شهیداً بینکم  
ومن عنده علم الكتاب .

: کسانی که کافرند می گویند تو فرستاده خدا  
نیستی بگو همین بس که خدا و آن کس که علم کتاب  
زدا و است میان من و شما گواه باشد .

اعجاز و انجام کارهای خارج از قدرت بشر ،  
از طرق شناسائی پیامبران واقعی و تشخیص آنها  
از مدعیان دروغین نبوت است ؛ البته نه طریق منحصر  
بفرد ، بلکه از طرق تشخیص و شناسائی می باشد .

زیرا تصریح پیامبر قبلی ، که نبوت خود او با دلائل  
قطعی ثابت شده است ، به نبوت و پیامبری فردی که  
پس از وی به رسالت می رسد ، یکی دیگر از طرق  
شناسائی پیامبران واقعی ، از مدعیان قلابی می باشد .

هر گاه خصوصیات و مشخصات دقیق پیامبری در  
کتابهای انبیاء پیشین ، به طور روشن بیان گردد ، و  
آوردندگان آن کتابها با صراحت ، علائم و نشانه های  
پیامبر بعدی را که پس از آنان خواهد آمد ؛ برای مردم

بازگو کنند و پس از مدتی ، شخصی با داشتن تمام آن  
علائم و مشخصات ، ادعای نبوت و رهبری نماید ،  
طبعاً افرادی غرض ، مطمئن می شوند که این فرد ،  
همان موعود آسمانی است که در کتابهای پیامبران

پیشین ، گزارشهایی از او وارد شده است .  
قرآن مجید در آیات فراوانی ، نبوت پیامبر  
گرامی اسلام را از این راه ثابت می کند ، و می گوید  
نام و نشان و خصوصیات پیامبر اسلام در کتابهای

تجهیز پیامبر با انواع معجزات .

گواه دومی که آیه مورد بحث یاد آور می شود گواهی دادن کسانی است که بر محتویات کتابهای آسمانی احاطه کامل داشته و از مضامین آنها، آگاهی گسترده ای دارند .

این افراد در موقع بررسی کتابهای آسمانی، به علائم و نشانه های پیامبر بعدی آگاه می گردند ، و اگر همه این مشخصات را در وجود پیامبر گرامی اسلام جمع وجود دیدند ، بر نبوت و راستگویی پیامبر گواهی داده ، به حمایت از او بر می خیزند، روی همین جهت در این سوره یاد آور می شود که برخی از اهل کتاب که از پیروان حقیقت و دوزار بیماری تعصب می باشند ، از نزول قرآن بر پیامبر، خوشحال و شادمان می شوند چنانکه می فرماید :

**«الذین آتیناهم الكتاب یفرحون بما أنزل الیک»** (سوره رعد آیه ۳۶)

« کسانی که کتاب به آنها داده ایم ، از قرآنی که بر تو نازل شده است، شادمان می گردند» ( زیرا محتویات آنرا با آنچه که در تورات و انجیل خوانده اند، مطابق و برابر می یابند) .

بنابراین ، مقصود از «کتاب» در جمله «ومن عنده علم الکتاب» همان کتابهای آسمانی است که بر پیامبران پیشین، فرود آمده است . و مقصود از شخصی که «علم کتاب» پیش او است ، کسی است که از مضامین آنها آگاهی کامل دارد خواه از ملل نصاری و یهود باشد و یا از ملت اسلام .

در این صورت تعجب نخواهید کرد که روایات

تورات و انجیل وارد شده است شما می توانید با مراجعه به آن کتابها حقیقت مطالب را به دست آورید .  
آنجا که می فرماید : **«الذین یتبعون الرسول النبئی الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراة والانجیل»** (سوره اعراف آیه ۱۵۷)

: «آنان که از پیامبر درس نخوانده ای، که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل می یابند، پیروی می کنند...»

\*\*\*

نبوت پیامبر اسلام، همواره مورد انکار گروهی از کافران بود، قرآن مجید به پیامبر دستور می دهد که به انکار آنان اعتنائی نکند و بگوید همین بس که من برای حقانیت و راستگویی خویش دو شاهد روشن دارم ، این دو شاهد عبارتند از :

۱ - خداوند جهان

۲ - کسانی که علم «کتاب» پیش آنها است .

چگونگی گواه بودن خداوند را در شماره پیش روشن ساختیم و گفتیم که مقصود ، گواهی دادن لفظی نیست ، بلکه گواهی عملی است ، زیرا خداوند رسالت پیامبر اسلام را با انواع معجزات همراه ساخته است و هرگز خداوند حکیم و مهربان، این دلائل را در اختیار یک فرد ناصالح نمی گذارد ، و او را بایک رشته از امور خارق عادت مجهز نمی کند .  
در این صورت گواهی دادن خداوند اشاره به همان راه نخست است که برای شناسائی پیامبران واقعی از عناصر ناصالح ، در اختیار داریم . یعنی

که بعدها روی همین اطلاعات کافی از کتابهای آسمانی، به آئین اسلام گرویدند مانند: عبدالله بن سلام و تمیم الداری و الجارود.

\*\*\*

در این جا ممکن است گفته شود که چگونه میتوان برای آیه، معنی وسیعی یاد نمود که علماء و دانشمندان اهل کتاب را نیز شامل گردد در صورتی که آیه در مکه نازل گردیده و در محیط نزول آیه، اهل کتابی وجود نداشت، که مشرکان و کافران به آنها رجوع کنند.

ولی پاسخ این سؤال روشن است زیرا هرگاه ما مفاد آیه را منحصر به دانشمندان اهل کتاب میکردیم؛ جای این سؤال بود که در محیط نزول آیه، چنین افرادی وجود نداشت و مرکز آنان در مدینه بود ولی اگر گفته شود که مقصود معنی وسیعی است که برخی از افراد آن، هنگام نزول آیه در مکه وجود داشتند و برخی دیگر در مدینه که با گذشت زمان می توانستند به حقانیت رسالت پیامبر گواهی دهند، در این صورت مکی بودن آیه، تولید اشکال نخواهد کرد.

گذشته از این سران شرك و كفر، در مکه پیش از مهاجرت پیامبر اکرم با دانشمندان اهل کتاب که در مدینه می زیستند تماسهایی داشتند و همواره از آنها

شیعه (۱) اتفاق بر این دارند که مقصود از کسیکه «علم کتاب» نزد او است امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است، و امام باقر گفتار خود را که مقصود از آن علی (ع) است، چنین مدلل می فرماید: **انه عالم هذه الامة بعد رسول الله (ص) (۲)** «او یگانه عالم و دانشمند بزرگ امت پس از پیامبر می باشد».

مقصود امام، بیان فرد کامل از این معنی وسیع و کلی است نه بیان فرد منحصراً زیرا نه تنها علی (ع) در این معنی کلی داخل می باشد بلکه همه پیشوایان معصوم شیعه که آگاهی کاملی از کتابهای آسمانی دارند، در این کلی داخل می باشند و خود امام باقر به این حقیقت، در ضمن حدیثی تصریح فرموده و می گوید: **اینا عنی و علی افضلنا و اولنا و خیرنا بعد النبی (۳)**:

یعنی مقصود از جمله «کسی که علم کتاب پیش او است» همه ما هستیم، و امیر مؤمنان نخستین پیشوا و برترین ما و بهترین فرد پس از پیامبر گرامی است. در این صورت می توان برای جمله یاد شده معنی وسیع تری قائل شد که نه تنها دانشمندان طراز اول اسلام یعنی پیشوایان بزرگ دین بلکه دانشمندان و علماء اهل کتاب را نیز شامل گردد. بالاخص آن گروه

۱ - مرحوم علامه مجلسی بسیاری از این روایات را در بحار الانوار ج ۳۵ باب ۲۴ ص ۴۲۹ - ۴۳۶، گرد آورده است و همچنین مرحوم سیلهاشم بحرینی در تفسیر برهان ج ۲ ص ۳۰۲ - ۳۰۴ و عیاشی در تفسیر خود ج ۲ ص ۲۲۰ - ۲۲۱ قسمتی از این روایات را نقل کرده اند.

۲ - بصائر الدرجات ص ۵۸ بحار ج ۳۵ ص ۴۳۲

۳ - تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۲۰ بحار ج ۳۵ ص ۴۳۳

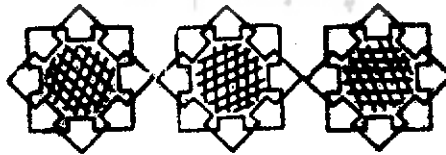
آنها را در سوره‌های اسراء آیه ۸۵ و كهف طی آیه های ۹- ۲۸ و آیه های ۸۳ - ۹۸ داد (۱) این فراز تاریخی حاکی است که آنچنان نبود که قریش با اهل کتاب هیچ گونه رابطه‌ای نداشته باشند. گواه این حقیقت سی و ششمین آیه همین سوره است (۲) که آشکارا گواهی می‌دهد که برخی از اهل کتاب از نزول قرآن بر پیامبر خوشحال و شادمان می‌گردند بلکه گاه‌گاهی برای کشف حقیقت با آنان تماس داشتند.

بنابراین هیچ مانعی نخواهد داشت که آیه ، متضمن يك معنی وسیعی باشد که همه افرادی را که از مضامین کتابهای آسمانی آگاهی داشتند در بر گیرد، اگرچه فرد کامل و برتر آنها امیر مؤمنان و پس از وی پیشوایان دیگری که علم را از پیامبر به وراثت برده اند می‌باشد. در تفسیر آیه نظرهای دیگری نیز هست که بیان آنها را به وقت دگر موکول مینمائیم. و با تفسیر این آیه تفسیر سوره رعد پایان پذیرفت .

می‌خواستند که به متون کتابهای خود ، مراجعه کنند و در باره صحت و عدم صحت نبوت پیامبر اسلام داوری نمایند .

این هشام می‌نویسد : در سال ششم بعثت پیامبر اکرم (ص) جمعیتی از طرف قریش که در میان آنها حارث بن نصر و عقبه بن ابی معیط وجود داشت در هسپار مدینه شدند ، تا رسالت پیامبر اسلام را با دانشمندان یهود در میان بگذارند، آنان به نمایندگان قریش گفتند: که از محمد سه موضوع زیر را سؤال کنید:  
۱ - حقیقت روح چیست ۲ - سرگذشت جوانانی که در روزگارهای پیشین از انظار مردم غائب شدند به کجا منجر گردید ( اصحاب كهف ) ۳ - زندگی مردی که در شرق و غرب جهان گردش کرد، چیست ؟ ( ذوالقرنین )

سپس افزودند که هرگاه وی به این سه سؤال پاسخ داد قطعاً پیامبر و برگزیده خدا است در غیر این صورت باید با او مبارزه کرد این هشام می‌گوید نمایندگان قریش، پس از ترتیب مجلسی ، هر سه سؤال را در اختیار پیامبر گذاردند و وحی الهی پاسخ



۱ - سیره ابن هشام ج ۱ ص ۳۰۰ - ۳۰۱

۲ - الذین آتیاهم الکتاب یفرحون بما انزل الیک (سوره رعد آیه ۳۶)